

بررسی رابطه بینامتنیت قرآن با مناجات خمس عشر

زکیه بیگم^۱

چکیده

پس از قرآن و نهج البلاغه، ارزشمندترین میراث فرهنگی، کتاب صحیفه سجادیه است که مناجات خمس عشر در آن بسیار معروف و پرمحتواست. یکی از رویکردهای نوین و مورد توجه در پژوهش‌های ادبی در دهه‌های اخیر، مطالعات بینامتنی است که موجب آفرینش متن جدید می‌شود. این نظریه نخستین بار توسط ژولیا کریستوا در سال ۱۹۶۰ مطرح شد. براساس این نظریه هر متنی براساس متونی که پیش‌تر خوانده شده است، معنا می‌دهد و استوار به رمزگانی است که پیش‌تر شناخته شده‌اند. پژوهش حاضر با نام بررسی روابط بینامتنی قرآن با مناجات خمس عشر در نظر دارد براساس نظریه بینامتنیت، میزان و چگونگی تأثیرپذیری قسمتی از مناجات امام سجاد علیه السلام از قرآن کریم را بررسی کند. مقاله حاضر پس از توضیح درباره اصطلاح بینامتنیت، روابط بینامتنی مناجات خمس عشر با قرآن کریم را با استفاده از معیارهای بینامتنیت بررسی می‌کند. نتیجه بررسی و تحلیل این روابط نشان می‌دهد که مناجات خمس عشر هم از نظر ساختاری و هم مضمونی با تأثیرپذیری آگاهانه از آیات قرآنی صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: قرآن، صحیفه سجادیه، روابط بینامتنی، نفی جزئی، نفی

متوازی.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی از پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی صلی الله علیه و آله

العالمیه، قم، ایران،

۱. مقدمه

قرآن کریم مهم‌ترین و پربارترین نعمت خداوند است که انسان نیازمند تنها با دریافت قرآن و تعالیم روح‌بخش آن از انحرافات و لغزش‌ها مصون می‌ماند تا به قله کمال و سعادت برسد. پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین علاوه بر اینکه حافظ قرآن هستند گفتارها و رفتارهای آنها نیز بازتاب قرآنی دارد. در مقاله حاضر ارتباط میان قرآن و بخشی از مناجات خمس عشر بررسی و میزان تأثیرپذیری این دعا از دیدگاه نظریه تناص مطرح می‌شود. واژه تناص (بینامتنیت) در تاریخ ادبی در دهه شصت در پی پژوهش‌های پراکنده کریستوا در فرانسه پدید آمد. به نظر وی تناص همان برخورد متون در یکدیگر است که از متون دیگری به عاریه گرفته شده است. براساس این نظریه هر متنی آگاهانه یا ناخودآگاه، زایش و بازخوانی از دیگر متون پیش از خود یا معاصر خود است. تناص (بینامتنیت) یکی از گرایش‌های جدید نقدی است که به بررسی ارتباط و تعامل بین متون می‌پردازد. این نظریه از یک طرف نشان‌دهنده تأثیرگذاری یک متن بر متن دیگر و در نتیجه غنای آن متن است.

مناجات خمس عشر در کتاب صحیفه سجادیه و بحارالانوار آمده است. علامه مجلسی این مناجات را در برخی کتاب‌های اصحاب که از امام سجاد روایت کرده‌اند، دیده است. شیخ حر عاملی نیز بدون هیچ تردیدی آن را به امام سجاد علیه السلام نسبت می‌دهد. محور این مناجات‌ها مباحث اخلاقی و عرفانی است و در شرح این مناجات کتاب‌هایی نوشته شده است. در مقاله حاضر ارتباط میان قرآن کریم و مناجات خمس عشر و میزان تأثیرپذیری این دعا از دیدگاه نظریه تناص بررسی می‌شود. در مورد شرح، تفسیر، اهمیت و جایگاه مناجات خمس عشر کتب و مقالات متعددی تألیف شده است که هر یک از این شروح از یک منظر به مناجات پرداخته‌اند، اما با بررسی‌های انجام شده، مشخص شد که تاکنون پژوهشی با موضوع بینامتنی قرآنی در مناجات خمس عشر انجام نشده و این پژوهش در نوع خود بدیع و نو است. در حیطه بینامتنی متون دینی، پژوهش‌های بسیاری انجام شده از جمله مقاله بینامتنی قرآن در ادعیه امام رضا علیه السلام تألیف دکتر حسین خانی کلکای و ولی نوروزی که در مجموعه مقالات همایش ملی

قرآن کریم و میراث رضوی چاپ شده است. تناس‌های قرآنی در دعای عرفه که توسط دکتر حجت رسولی و آقاعلی عدالتی نصب تألیف و در مجموعه مقالات سومین همایش تخصصی قرآن، ادب و هنر چاپ شده است.

۲. مفهوم‌شناسی

تناس از ریشه نصص است که در لغت‌نامه‌های مختلف، معانی متعددی دارد. در کتاب العین آمده است: «نصصت الحدیث الی فلان نصّا ای رفعته؛ سند حدیث را تا فلان راوی رساندم». (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۸۶/۷) در کتاب مقایس اللغه آمده است: «النون والصاد، اصل صحیح یدل علی رفع و ارتفاع و انتهاء فی الشیء -منه قوله تعالی: نص الحدیث الی فلان: رفعه الیه، والنّص فی السیر ارفعه؛ نون و الصاد یک اصل صحیح است که بر بلندی و بلند کردن و بر آخر چیزی دلالت می‌کند». «نص الحدیث الی فلان؛ سند حدیث را تا فلان راوی رساند». «نص فی السیر؛ در حرکت بالا برد» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۳۵۶/۵). در فرهنگ ابجدی: «نص الشیء؛ آن چیز بلند شد استوار شد» (بستانی، ۱۳۵۷، ص ۸۷۱).

تناس در اصطلاح یعنی، یک متن پیشین در متنی جدید داخل شود، پس تناس یعنی، روی دادن رابطه تفاعلی بین متن پیشین و متن حاضر برای تولید متن لاحق. به عبارت دیگر، تناس یا بینامتنیت، شبکه‌ای از کارکردهاست که مناسبت میان متن و بینامتن را تشکیل داده و تنظیم می‌کند. بینامتنیت، تأثیر و تقلید از متون دیگر نیست، بلکه شاکله‌ای از متون، پاره‌متن‌ها یا قطعات متن‌گونه‌ای از گویش جمعی است که در یک قاموس و تا حد کم‌تر در نحو ملازم با متنی سهیم است که در حال خواندن آن (به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم) در شکل مترادف‌ها یا حتی برعکس در شکل متضادهاست. هر عضوی از این شاکله از هم‌ساخت‌های متن است. (آلن، ۱۳۸۵، ص ۱۷۳) غذامی در تعریف تناس آورده است: «تناس در اصطلاح یعنی، چند متن در یک متن دیگر بدون درنظر گرفتن زمان و مکان داخل شوند» (غذامی، ۱۹۸۵، ص ۴۵). بینامتنی سه رکن دارد: الف) متن حاضر که از آن به متن لاحق یا متن موجود نیز تعبیر

می‌شود؛ ب) متن غایب که متن سابق یا متن مفقود نیز نامیده می‌شود؛ ج) روابط بینامتنی که نحوه تعامل متن حاضر و متن غایب و چگونگی ارتباط آنها را بازگو می‌کند (آلن، ۱۳۸۵، ص ۴۹).
بازآفرینی متن پنهان یا حضور آن در متن حاضر به سه صورت انجام می‌شود که از آن به قانون‌های سه‌گانه بینامتنی نام برده‌اند و عبارتند از:

اجترار (نفی جزئی): تکرار متن غایب بدون هیچ تغییر و دگرگونی است که در این نوع از رابط بینامتنی، مؤلف جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد و متن حاضر، ادامه متن غایب است و در آن نوآوری و ابتکار کمتری وجود دارد (عزام، ۲۰۰۱، ص ۱۱۶).

امتصاص (یا نفی متوازی): این نوع از روابط بینامتنی از نوع قبلی برتر است، در نفی متوازی متن پنهان پذیرفته شده و به صورتی در متن حاضر به کار رفته که جوهره آن تغییر نکرده است (الموسی، ۲۰۰۰، ص ۵۵).

حوار (نفی کلی): این نوع از روابط، بالاترین درجه بینامتنی است و به خوانش آگاهانه و عمیق نیاز دارد تا بتوان متن پنهان را درک کرد؛ زیرا مؤلف در این نوع روابط، متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند به گونه‌ای که در خلاف معنای متن پنهان به کار می‌رود و این امر ناخودآگاه روی می‌دهد (الموسی، ۲۰۰۰، ص ۱۱۶).

در تبیین روابط بینامتنی قرآن با مناجات خمس عشر، متن قرآنی، متن غایب و مناجات خمس عشر، متن حاضر است. عملیات بینامتنی یا تناس تعامل این دو متن را روشن می‌کند. فراوانی تعامل مناجات خمس عشر با قرآن کریم از ویژگی‌های برجسته دعا‌های امام زین العابدین علیه السلام است که نشان می‌دهد امام آگاهانه از متن قرآن استفاده کرده تا بتواند مقصود خود را به وسیله دعا دقیق‌تر و مؤثرتر بیان کند.

۳. مناجات توبه‌کنندگان

متن حاضر: «الهی البستنی الخطایا ثوب مذلتی وجللتی التباعد منک لباس مسکنتی وامات قلبی عظیم جنایتی، فاحیه بتوبه منک یا املی و بغیتی و یا سؤلی و منیتی؛ خدایا، خطاها جامه

مذلت و خواری بر من پوشانیده است و دوری از تو لباس بینوایی بر تنم کرده است و جنایت بزرگ من دلم را میرانده است، پس ای مقصد و مقصود من و ای مطلوب و آرزوی من با توجه به درگاهت آن را زنده ساز.»

متن غایب: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَانِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَاسْلَمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛ بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید از رحمت خدا نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد به درستی که خداوند بخشنده مهربان است و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پس از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ‌کس یاری نشوید.» (زمر: ۵۳ و ۵۴)

رابطه بینامتنی: در این فراز از دعا حضرت پس از اظهار درماندگی و پشیمانی از گناه، مناجات را آغاز می‌کند و به سه اثر آثار گناه یعنی، خواری و ذلت در دنیا و آخرت، دوری از خدا و مرگ دل‌ها.

در کلمات پایانی این بخش از مناجات، گذشته از اینکه یک معنا را دنبال می‌کند و تکرار آن بر فصاحت دعا می‌افزاید اشاره دارد بر اینکه انسان با گناهان و جنایات بزرگی که مرتکب شده است به کسی جز ذات اقدس حق امید ندارد که بتواند یاری‌اش کند. همچنین به کلام الهی استشهداد کرده و از رابطه بینامتنی نفی جزئی بهره برده و با بیان اینکه توبه بهترین راه برای بخشیده شدن است رابطه بینامتنی فوق‌العاده‌ای را در این بخش ایجاد کرده است.

متن حاضر: «فَوَعزتكَ مَا أَجِدُ لِدُنُوبِي سِوَاكَ غَافِرًا، وَلَا أرى لِكَسْرِي غَيْرَكَ جَابِرًا، وَقَدْ خَضَعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ وَ عَنَوْتُ بِالْإِسْتِكَانَةِ لَدَيْكَ؛ پس به عزت تو سوگند که جز تو آمرزنده‌ای برای گناهانم نمی‌یابم و برای ترمیم درهم‌شکستگی‌های امورم، جبران‌کننده‌ای جز تو نمی‌بینم و همانا که با انابه و بازگشت به درگاهت سر فرود می‌آورم و با زاری و خاکساری قصد پیشگاهت می‌کنم.»

متن غایب: «وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ؛ و چه کسی جز خداوند گناهان را می‌بخشد». (آل عمران: ۱۳۵)

رابطه بینامتنی: امام علیه السلام در این فراز، خداوند را به صفت عزتش سوگند داده و ناتوانی و نیاز خود را به پیشگاه الهی ابراز می‌دارد و در ادامه مناجات به بعضی از شرایط لازم دعا اشاره می‌کند مانند انابت، خضوع و استکانت. بنده با حالت انابتی که در پیشگاه خداوند متعال دارد و خضوع و خشوعی که از خود نشان می‌دهد زمینه کسب رحمت و آمرزش پروردگار را برای خود فراهم می‌کند. در اینجا حضرت از نوع رابطه بینامتنی نفی جزئی بهره برده است؛ زیرا کلمات و الفاظ، ذهن مخاطب را به متن غایب سوق می‌دهد.

متن حاضر: «فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فِيمَنْ أَلُوذُ، وَإِنْ رَدَدْتَنِي عَنْ جَنَابِكَ فِيمَنْ أَعُوذُ؛ فَوَا أَسْفَاهُ مِنْ حَجَلْتِي وَافْتِضَاحِي، وَوَالْهَفَاهُ مِنْ سَوْءِ عَمَلِي وَاجْتِرَاحِي؛ پس اگر مرا از در خود برانی به چه کس پناهنده گردم و اگر از آستانت دورم کنی به چه کسی پناه برم، پس افسوس بر شرمساری و رسوایی من و دروغا بر بدی کردار و جنایتکاریم».

متن غایب: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَ يُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ؛ روزی که هرکس هر آنچه از نیک و بد کرده است حاضر می‌یابد و آرزو می‌کند کاش میان او و کاربردش فاصله‌ای دور بود و خدا شما را از کیفر خود برحذر می‌دارد و خداوند به بندگانش رئوف است». (آل عمران: ۳۰)

رابطه بینامتنی: در فراز دیگری از مناجات تائبین امام زین‌العابدین علیه السلام این مسئله مطرح است که خداوند متعال هم پناهگاه است و هم حفظ‌کننده و حمایت‌کننده کسی که به سوی او روی نیاز آورد. آیا نباید هنگام هجوم غارتگرانه ابلیس و نفس اماره به مملکت دل انسان به حریم امن و پناهگاه مطمئنی پناهنده شود. بنابراین، باید انسان از مصدومیت‌ها و خطراتی که در اثر گناه و عصیان برای او پیش می‌آید به حریم امن و قدس ربوبی و قلعه محکم الهی پناهنده شود و خود را از شیطان درون و بیرون محافظت و به سوی خدا استعاذه کند. در آیه نیز خداوند متعال متذکر می‌شود که روز رستاخیز، اعمال خوب و بد انسان در مقابل او حاضر می‌شود و آرزو

می‌کند کاش میان او و این اعمال، فاصله و زمان زیادی بود و در پایان آیه اشاره دارد که خداوند، رؤوف و مهربان است. در اینجا نیز حضرت از رابطه بینامتنیت جزئی بهره گرفته و مخاطب را به متن قرآن سوق می‌دهد.

متن حاضر: «اسئلك يا غافر الذنب الكبير، و يا جابر العظم الكسير، ان تهب لي مؤبقات الجرائر و تشتر علي فاضحات السرائر و لا تخلني في مشهد القيامة من برد عفوك و عفرك و لا تعرنني من جميل صفحك و سترتك، الهی! ظلل علی ذنوبی عمام رحمتک و ارسل علی عیوبی سحاب رافتک؛ ای آمرزنده گناه بزرگ و ای پیوندزننده استخوان شکسته، از تو می‌خواهم که گناهان کشنده‌ام را ببخشایی و رسوایی‌های نهانم را بپوشانی و در شهودگاه رستاخیز از لذت بخشایش و خنکای جان بخش آمرزش محروم نفرمایی و از عفو زیبای رازپوشت مرا برهنه نگذاری. خدایا، ابر رحمتت را بر گناهان من سایه افکن نما و سحاب و سحاب و بارش مهت را بر عیب‌هایم بباران».

متن غایب: «غافر الذنب و قابل التوب شدید العقاب ذی الطول لا اله الا هو الیه المصیر؛ آمرزنده گناه و پذیرنده توبه، سخت‌کیفر و صاحب نعمت فراوان است، خدایی جز او نیست، بازگشت همه به سوی اوست». (غافر: ۳) «انته یعلم الجهر و ما یخفی؛ او آشکار و پنهان شما را می‌داند» (اعلی: ۷).

روابط بینامتنی: از جمله آداب دعا و مناجات این است که انسان پیش از درخواست از خداوند متعال، زبان به حمد، ثنا و ستایش الهی بگشاید، آن هم با الفاظ القابی که متناسب با خواست انسان باشد. از آنجاکه این مناجات برای توبه‌کنندگان است و آمرزش، رحمت و مغفرت خداوند طلب می‌شود، حضرت با صفت غافر خوانده می‌شود تا نظر لطفش بیشتر شود. امام زین‌العابدین علیه السلام نیز با به‌کار بردن الفاظ قرآن در این فراز از دعا رابطه بسیار واضح و آشکاری را با قرآن رقم زده و ذهن هر دعاکننده‌ای را به این آیات کریمه سوق داده است.

متن حاضر: «الهی هل یزجُ العبدُ الاِیقُ الاِلی مؤلاه، أم هل یجیرُه مِنْ سَخَطه اَحَدٌ بِسِواه؛ خدایا، آیا بنده گریزپا و فراری جز به سوی مولایش باز می‌گردد، یا هیچ‌کس جز مولایش او را از خشم وی پناه می‌دهد».

متن غایب: «قُلْ یا عِبَادِی الَّذِینَ اَسْرَفُوْا عَلٰی اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِ اللّٰهِ؛ بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید از رحمت خدا نومید نشوید». (زمر: ۵۳)

رابطه بینامتنی: در توضیح این جملات از مناجات التائبین به چند نکته لطیف اشاره می‌شود: اول اینکه، حال بنده گناهکار مانند حال آن غلام و بنده‌ای است که دچار خطا و لغزشی شده است و از ترس عقوبت از دست اربابش فرار کرده است، اما به راستی این بنده به جز آستان مولایش پناهگاهی دارد. انسان هم وقتی که گناه می‌کند در حقیقت از ولایت خداوند فرار کرده است، چون مدتی گذشت و تمام درها را مقابل خود بسته دید، می‌فهمد که تنها مرجع و پناه او خدا و مولای حقیقی اوست. بنابراین، چاره‌ای ندارد جز آنکه بازگشت کند و بندگی او را به جا آورد و این بازگشت به حریم بندگی خداوند با توبه صورت می‌گیرد. دوم اینکه، بنده وقتی به سوی مولا و اربابش باز می‌گردد کسی جز خود ارباب نمی‌تواند او را از تازیانه‌های تنبیه و تأدیب خلاصی بخشد. از این رو دست به دامن اربابش شده و پناه از خشم و غضبش را از خود او درخواست می‌کند. انسان خاطی و گناهکار نیز وقتی به سوی خداوند باز می‌گردد، می‌داند که هیچ‌کس نمی‌تواند او را از خشم و سخط خدا پناه دهد. بنابراین، باید با ناله، گریه و عذرخواهی، موجبات رضایت و خشنودی او را فراهم کند تا از عذابش در امان بماند. این بازگشت و اظهار پشیمانی، همان توبه است که پذیرش آن به دست خداست، چنانچه امام علیه السلام این فراز از دعا را هم از این آیه قرآن بهره جسته و به دلیل مانوس بودن امام علیه السلام با قرآن و حفظ بودن کلام خداوند، خود آگاه و ناخود آگاه، برش‌ها، عبارات و ترکیبات کلام خداوند در میان بیانات آن امام علیه السلام امری طبیعی است.

متن حاضر: «الهی اِنْ كَانَ النَّدْمُ عَلَى الذَّنْبِ تَوْبَةً فَإِنِّي وَعِزَّتِكَ مِنَ التَّادِمِينَ وَ اِنْ كَانَ
الاسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَكَ الْعُثْبَى حَتَّى تَرْضَى؛ خدایا اگر
پشیمانی بر گناه توبه است، پس به عزت سوگند که من از پشیمانانم و اگر طلب آمرزش از خطا،
مایه ریختن گناه باشد، پس من به درگاہت از آمرزش خواهانم. تو حق بازخواست داری تا
وقتی که راضی و خشنود شوی».

متن غایب: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا لِلَّهِ فَاَسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ
يَعْفُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ؛ و کسانی که چون کار زشتی کردند یا بر خود ستم نمودند خدا را یاد می کنند
و برای گناهان خویش آمرزش می طلبند و جز خدا چه کسی است که گناهان را ببامرزد». (آل
عمران: ۱۳۵)

رابطه بینامتنی: با توجه به این جملات از مناجات تائبین امام زین العابدین علیه السلام و کلام دیگر
معصومان علیهم السلام معلوم می شود که حقیقت توبه همان ندامت و پشیمانی از گناه است و این
ندامت به دلیل زشتی گناه نزد خدا و مخالفت با امر و رضای اوست. انسان هم وقتی دعا می کند
و از گناه خود پشیمان می شود، دلش به درد می آید و هر اندازه اندوه دلش بیشتر باشد، توبه اش
به قبولیت نزدیک تر است و آن هم تابع بزرگ دانستن گناه است؛ زیرا گناه را هر چه بزرگ تر ببیند
بر پشیمانیش افزوده می شود. امام علیه السلام در پایان این فراز از دعا می فرماید: «خدا یا تو حق
بازخواست داری تا وقتی که راضی و خشنود شوی». این جمله در حقیقت یک درخواست
رضامندی از خداوند است. در اینجا امام علیه السلام برای اقناع مخاطب و تبیین بهتر از آیات قرآن بهره
می گیرد که این نوع رابطه بینامتنی، تناسلی جزئی است. امام علیه السلام با هنرمندی و توانایی والای
ادبی توانسته با استفاده از کلام خداوند تعدیلات زیبایی ایجاد کند.

متن حاضر: «الهی ! انْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَاباً إِلَى عَفْوِكَ سَمِيَّتَهُ التَّوْبَةُ، فَقُلْتُ: «توبو الی
اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحاً» فَمَا عُدُّرُ مَنْ أَعْقَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ؛ خدایا، تویی که به روی بندگانت
دری به سوی بخشایش گشودی و آن را توبه نامیدی، پس در قرآن فرمودی: «به سوی خدا توبه

کنید، توبه نصح»، پس کسی که پس از گشوده شدن آن در از وارد شدن در آن غفلت ورزد، چیست».

متن غایب: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُم سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به درگاه خداوند توبه کنید، توبه‌ای راستین و خالص. امید است که پروردگارتان بدی‌هایتان را از شما بزداید و شما را به باغ‌هایی که از پای درختانش نهرها جاری است درآورد» (تحریم: ۸).

رابطه بینامتنی: آنچه در این فراز، لطف الهی بر بنده خطاکار است، این است که اگرچه انسان با گناهان و خطاهایش جنایت بزرگی انجام داده و موجبات خشم و عذاب الهی را فراهم می‌کند، اما هرگز نباید گمان کند که راه بازگشت بسته است. در ادامه این مناجات امام سجاد علیه السلام به آیه شریفه‌ای درباره توبه تمسک کرده که خداوند در قرآن کریم فرموده است: «تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا» (تحریم: ۸). در این آیه خداوند فراخوان عمومی می‌کند که انسان‌ها به سوی او بازگردند و توبه نصح کنند. در اینجا حضرت از نوع رابطه بینامتنی جزئی بهره برده است؛ زیرا قسمتی از متن آیه بدون هیچ تغییری در لفظ و معنا در متن حاضر آمده است.

متن حاضر: «يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ، يَا عَظِيمَ البِرِّ، يَا عَلِيمًا بِمَا فِي البِئْرِ، يَا جَمِيلَ البِئْرِ، اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ إِلَيْكَ وَ تَوَسَّلْتُ بِجَنَابِكَ وَ تَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ؛ ای پاسخ‌گوی درمانده، ای برطرف‌کننده زیان، ای دارای احسان بزرگ، ای دانای راز نهان، ای که به زیبایی، پرده بر گناهان می‌پوشانی، جود و کرمت را نزد تو شفیع آورده‌ام و به آستان تو و مهری که نزد تست دست تو تسل می‌زنم».

متن غایب: «أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ؛ یا کیست که درمانده را چون وی را بخواند، اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد» (نمل: ۶۲)؛ «و ان يَمْسَسَكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ؛ و اگر خداوند به تو گزندى رساند کسی جز او برطرف کننده‌ای نیست» (انعام:

۱۷)؛ «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ؛ آیا ندانسته‌اید که خدا راز و نجوایشان را می‌داند و خدا داننده غیب‌هاست» (توبه: ۷۸).

رابطه بینامتنی: در این فراز، امام سجاد علیه السلام خداوند را به پنج صفت از اوصاف نیکویش می‌خواند: اجابت‌کننده در ماندگان، برطرف‌کننده زیان، احسان‌کننده بزرگ، دانای اسرار و آنکه به زیبایی پرده‌پوشی می‌کند.

امام علیه السلام در این اوصاف، متن قرآنی را در همان معنا در کلام خویش به کار گرفته است با این تفاوت که عبارت «أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ» فعل خداوند را به صورت اسم فاعل مورد ندا قرار داده و حالت دعا و تضرع زیادی به مناجات بخشیده و از رابطه بینامتنی نفی موازی بهره برده است. همچنین در مورد آیه ۷۸ سوره توبه به همین صورت جوهره کلام به همان معنی و مفهوم قرآنی در دعای امام علیه السلام به کار رفته است. بنابراین، ارتباط دو متن از نوع تناس موازی است.

۴. مناجات شکایت‌کنندگان

متن حاضر: «الهی ایک اشکو نفساً، بِالسُّوءِ أَمَّارَهُ وَ إِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَهُ وَ بِمَعَاصِيكَ مَوْلَعَهُ وَ لِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَهُ؛ خدایا، به تو شکایت آورده‌ام از نفسی که پیوسته به بدی فرمان می‌دهد و به خطا روی می‌کند و به نافرمانی تو شیفته و آزمند است و در معرض خشم تو قرار می‌گیرد».

متن غایب: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي؛ همانا (نفس سرکش) بسیار به بدی‌ها امر می‌کند مگر آنچه را پروردگارم رحم کند» (یوسف: ۵۳).

رابطه بینامتنی: از نخستین فرازهای مناجات شکایت‌کنندگان، اولین مطلبی که استفاده می‌شود این است که انسان هرگز نباید نفس خود را ضعیف بشمارد و از آن غفلت ورزد و هیچ‌گاه نباید گناهی که بر اثر اطاعت و پیروزی از نفس و شیطان صورت می‌گیرد را کوچک بشمارد، بلکه باید نفس را یک گناهکار و جنایتکار بداند و او را مورد سرزنش و عتاب قرار دهد تا نسبت به تکرار گناه گستاخ و دریده نشود؛ زیرا کوچک شمردن گناه از بدترین و بزرگ‌ترین گناهان است. امام علیه السلام به زیبایی از این آیه در این فراز از دعا بهره برده و از تناس جزئی استفاده کرده است.

بنابراین، امام علیه السلام متن قرآنی را با تغییرات در ساختار به سبک دعا و شکایت به کار برده و در آن دخل و تصرف انجام داده و این همان نوآوری است.

متن حاضر: «تَسْلُكُ بِي مَسَالِكَ الْمَهَالِكِ وَ تَجْعَلُنِي عِنْدَكَ اَهْوَنَ هَالِكٍ، كَثِيرَةَ الْعِلَلِ، طَوِيلَةَ الْأَمَلِ، اِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَّعُ، وَاِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمْنَعُ، مَيَّالَهُ اِلَى اللَّعْبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوءَهُ بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بِي اِلَى الْحَوْبَةِ وَ تُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ؛ نفسی که مرا به راه‌های نابودی و هلاکت می‌کشاند و در پیشگاه تو مرا پست‌ترین هلاک شده می‌گرداند، نفسی بهانه‌ساز و درازآرزو. اگر شری به او رسد، بی‌تابی کند و اگر خیری به او دست یابد بلندپرواز و خودبین گردد. بی‌پوسته به لهو و لعب مایل و غرقه بی‌خبری و فراموشی. با شتاب مرا سوی مسکنت و نیاز برد و توبه‌ام را برعهده تأخیر اندازد».

متن غایب: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً إِلَّا الْمُصَلِّينَ؛ به راستی انسان بی‌تاب خلق شده است؛ زیرا اگر آسیبی به او رسد، بی‌تاب است و چون خیری به او رسد بخل‌ورز است، غیر از نمازگزاران» (معارج: ۱۹-۲۲).

رابطه بینامتنی: به دنبال ویژگی‌ها و صفاتی که برای نفس اماره گفته شد امام علیه السلام ویژگی‌های دیگری برای آن بیان می‌کند که عبارت است از: انسان را به هلاکت می‌کشاند، بهانه‌ساز و توجیه‌گر است، دراز آرزو است، به هنگام بدی، بی‌تابی کرده و به وقت خیر، خودبین می‌شود، بی‌پوسته به لهو و لعب مشغول است، غرق در غفلت و فراموشی است، با شتاب انسان را به سوی خواری و مسکنت می‌برد و بالاخره توبه را به تأخیر می‌اندازد.

امام زین‌العابدین علیه السلام در این قسمت از دعا با استفاده از متن قرآنی و اندکی تغییر در جمله، کلمه جزوعاً را به فعل مضارع تغییر داده که دال بر حال و همیشگی بودن آن است و در حال وقوع و عینی، محسوس و ملموس جلوه‌گر می‌کند چندان که گویا اکنون مخاطب آن را بالعیان می‌بیند و حس می‌کند و در حقیقت در آن دخل و تصرف انجام داد و این همان نوآوری است.

- متن حاضر: «الهی اشکو الیک عدوًّا یضلّنی و شیطاناً یُعوینی، قد مَلَا بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِی وَ أَحَاطَتْ هَوَاجِثُهُ بِقَلْبِی، یُعَاضِدُ لِی الْهَوَی وَ یُزِیِّنُ لِی حُبَّ الدُّنْیَا وَ یَحُولُ بَیْنِی وَ بَیْنَ الطَّاعَةِ وَ الزُّلْفِی؛ خدایا از دشمنی که گمراهم کند و شیطانی که فریبم دهد به تو شکایت آوردم. همانا وسوسه، سراسر سینه‌ام را فراگرفته و اوهام قلبم را احاطه کرده است. هوا و هوس مرا دستیار است و دوستی دنیا را در نظرم می‌آرید و میان من و طاعت و مقام قرب تو جدایی می‌افکند».

- متن غایب: «انَّ الشَّیْطَانَ لَکُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا؛ شیطان دشمن شماست، پس شما نیز او را دشمن خود بگیرید» (فاطر: ۶)؛ «قالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ؛ به عزت و جلالت قسم که تمام مردم را گمراه خواهم کرد مگر خاصان از بندگانت که دل از غیر تو بریدند و برای تو خالص شدند» (ص: ۸۲ و ۸۳)؛ «وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ؛ شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان نیکو جلوه داد» (عنکبوت: ۳۸)؛ «زَيَّنَ لَهُ سَوْءَ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ؛ زشتی اعمال او در نظرش تزئین شده و از هوای نفس پیروی می‌کند» (محمد: ۱۴).

- رابطه بینامتنی: امام علیه السلام در این فراز از دعا نیایشی با خدای خود می‌کند و در آن راز و نیاز به چند ویژگی شیطان اشاره کرده به صورت خبری، خصوصیات و مقاصد شیطان را بیان می‌کند. همچنین از متن‌های متعدد قرآن استفاده، حالات و نیات شیطان را به فعل مضارع تبدیل و از نفی کلی که بالاترین درجه بینامتنی است استفاده می‌کند و ابتکار و نوآوری خود را در گستره این دعا به نمایش می‌گذارد.

- متن حاضر: «الهی الیک اشکو قلباً قاسياً، مع الوسواسِ مُتَقَلِّباً وَ بِالزَّيْنِ وَ الطَّبَعِ مُتَلَبِّساً وَ عَيْناً عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ حَوْفِكَ جَامِدهً، وَ اِلَى مَا تُسَرُّهَا طَا مَحَهُ؛ خدایا به تو شکایت می‌کنم از دلی سخت که با وسوسه دگرگون می‌گردد و در پرده تاریکی و بی‌توفیقی در خیر می‌پیچد و از چشمی که اشک خوف بر آن نمی‌گذرد و به آنچه خرسندش سازد میل کرده و چشم دوخته».

- متن غایب: «فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ؛ پس وای بر آنها که دل‌های سخت و نفوذناپذیری دارند و ذکر خدا در آن اثر نمی‌گذارد» (زمر: ۲۲)؛ «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ چنین نیست اعمال زشت آنها زنگار و لایه بر قلب آنها افکنده است» (مطففین: ۱۴)؛

«كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُنْتَكِبٍ جَبَّارٌ؛ خداوند این‌گونه بر دل هر منکر ستمکاری مهر شقاوت می‌زند» (غافر: ۳۵).

-رابطه بینامتنی: عمده مطالبی که امام علیه السلام در این فراز از دعا مطرح کرده، یکی قساوت قلب و حالات دیگر آن و دیگری خشکی چشم است.

قرآن مجید بعضی از قلوب را به نام قاسیه توصیف کرده است که به معنای خشونت، سختی و نفوذناپذیری است. بنابراین، سنگ‌های خشن را قاسی می‌گویند. از همین رو به دل‌هایی که در برابر نور حق و هدایت، انعطافی از خود نشان نمی‌دهد و نرم و تسلیم نمی‌شوند و نور هدایت در آن نفوذ نمی‌کند قلب‌های قاسیه یا قساوت‌مند گفته می‌شود. همچنین تعبیر رئین (زنگ‌زدگی) در قرآن برای کسانی که بر اثر خیره‌سری و گناه زیاد قلبشان نفوذناپذیر شده به کار رفته است. سومین حالت قلب، حالت طبع است که گاهی در قرآن به ختم نیز تعبیر شده است. مراد از طبع و مهرزدن به قلب آن است که شخص، حاضر به قبول حق نشود و زیر بار آن نرود هرچند به آن یقین داشته باشد. امام سجاد علیه السلام در مقام یک شکایت‌کننده به پیشگاه خداوند متعال انسان را بر انواع آفات و بیماری‌های خطرناک قلب متذکر می‌شود تا شاید با استمداد از خدا این بیماری‌ها را از دل پاک کرده و آراسته به قلب سلیم شود. امام علیه السلام در این فراز، متن تغییریافته قرآنی را در کلام خود ذکر و آن را بازآفرینی و از تناسف نفی جزئی بهره برده است.

۵. نتیجه‌گیری

پس از بررسی در مقاله حاضر مشخص شد که مناجات خمس عشر، توانایی و علم امام علیه السلام در بهره‌وری از آیات قرآن را به وضوح نشان می‌دهد و امام علیه السلام با هنرنمایی و بصیرت تمام، قرآن را وارد مناجات خود کرده و از روح قرآن الهام گرفته است. مناجات‌کننده نیز ناخودآگاه خود را در کلمات و مفاهیم قرآن غوطه‌ور می‌بیند و اثری مطلوب بر روح و جان او می‌گذارد.

امام سجاد علیه السلام از هر نظر به قرآن نزدیک بوده و با مهارت و آگاهی کافی از قرآن بهره برده است؛

-امام سجاده علیه السلام با آمیختگی قرآن در مناجاتش، شیوه صحیح بهره‌گیری از الفاظ الهی را به مسلمانان می‌آموخت؛

-کشف این روابط بینامتنیت، نیازمند ژرف‌اندیشی و اشراف به مفاهیم قرآنی است؛
-در روابط بینامتنی، امام علیه السلام متن قرآنی را در فضایی جدید و برای مصداق و معنای دلالتی جدید به کار گرفته است؛

-اساس کلام و منبع اصلی امام سجاده علیه السلام، ناطق و ملهم به حقایق و معارف قرآنی از نظر لفظی و معنایی، قرآن کریم است؛

-امام زین‌العابدین علیه السلام با مهارت و توانایی تمام به‌دلیل مسلط بودن بر ادب و هنر عرب و با هدف پربار کردن و اثرگذارتر شدن دعایش از انواع رابط بینامتنی، نفی جزئی و نفی متوازی بهره برده است؛

-وجود روابط بینامتنی در صحیفه سجاده‌یه نشان‌دهنده انس، الفت و همنشینی امام زین‌العابدین علیه السلام با قرآن بوده و در اثر این انس و الفت، حضرت مناجاتش را با گوهرهای آیات قرآن زینت داده است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم. مترجم: بهرام پور، ابوالفضل.
۱. صحیفه سجاده‌یه. مترجم: انصاریان، حسین.
 ۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم المقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۳. آلن، گراهام (۱۳۸۵). بینامتنیت. مترجم: یزدان جو، پیام. تهران: انتشارات نشر مرکز.
 ۴. بستانی، فواد افرام (۱۳۵۷). فرهنگ ابجدی. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۵. عزام، محمد (۲۰۰۱). النص الغائب تجلیات التناسل فی الشعر العربی. دمشق: انتشارات اتحاد الکتاب العرب.
 ۶. الغدामी، عبدالله (۱۹۸۵). الخطیئه و التفکیر. جده: النادی الرياضی.
 ۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). العین. قم: نشر هجرت.
 ۸. الموسی، خلیل (۲۰۰۰). قرائات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر. دمشق: انتشارات اتحاد الکتاب العرب.